



شماره ی ششم
تابستان ۱۴۰۰
گاهنامه ی دانشجویی
حقوقی انصاف



- وکالت کسب و کار است یا خیر؟
- بررسی قتل فرزند با نگاهی به فرزند کشی های اخیر
- شیوه های پیگیری حقوقی در خرید های اینترنتی
- جرم تجاوز و ادله ی اثبات آن
- بررسی فیلم هتل رواندا با نگاهی حقوقی به نسل کشی

فهرست

— بررسی قتل فرزند در
حقوق ایران با نگاهی
به فرزندکشی های
اخیر

۴

معصومه ی حسینی صفا

— سخن سردبیر

— بررسی شیوه های
پیگیری حقوقی در
خرید های اینترنتی

۶

یگانه کریمی مقدم

— بررسی حقوقی جرم
تجاوز و ادله ی اثبات
آن

۹

رکسانا خاکپور

— مختصری بر مبانی
حمایت حقوقی از
شهرت

۱۱

فاطمه بذرافشان

— وکالت کسب و کار
است یا خیر؟

۱۲

نوشین بیکی

— نیم نگاهی بر
رشته ی حقوق تجارت
بین الملل

۱۶

زهرا فلاح

— یادداشتی بر فیلم
هتل رواندا

۱۸

ملیحه حسینی

— معرفی پادکست
های حقوقی

۲۰

بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

انساف

شناسنامه

گاهنامه ی حقوقی انصاف

صاحب امتیاز: انجمن علمی حقوقی دانشگاه الزهرا

مدیر مسئول: ملیحه حسینی

سردبیر: فاطمه امیری

استاد مشاور: دکتر خدیجه مظفری

طراح صفحه: محمد هادی حسینی

ویراستار: مرجانه صدیقی

تحریریه:

معصومه حسینی صفا

یگانه کریمی مقدم

رکسانا خاکپور

فاطمه بذرافشان

نوشین بیکی

زهرا فلاح

ملیحه حسینی

ارتباط:

@Ensaf_mag

alz_law_community

سخن سردبیر

فاطمه امیری

ورودی ۹۶



هوالوکیل

ششمین شماره از نشریه انصاف در حالی به چاپ رسید که خبرهای تکان‌دهنده روز، ما را دچار تشویش می‌کرد. روایت‌های گذشته با همان آب و تاب، با همان دلایل و همان سوژه‌ها باز هم در ماه‌های گذشته اتفاق می‌افتاد. انگار چیزی مدام در حال تکرار است ولی کسی برای جلوگیری از این رویدادها دست به کاری نمی‌زند. کسی نگران چیزی نمی‌شود. کسی چیزی را فریاد نمی‌زند. اتفاق می‌افتاد ولی در حد آگاهی نسبت به آنها باقی می‌ماند و به زودی فراموش می‌شود. خواندن اخبار بد، عادت همیشگی مان می‌شود. اما کسی برای حل این معضلاتی که منجر به فجایع می‌شود، کاری نمی‌کند. خبرهای منجرکننده از فرزندکشی در جای جای ایران به گوشمان می‌رسد ولی به مرور، به آرامی از خاطرم می‌رود. انگار دیگر پرونده‌های رومینا و ریحانه برایمان اهمیتی ندارد. مجازات پدری که فرزندش را کشته متناسب با جرمش نیست و این عدم تناسب جرم و مجازات به مثابه امری که باید برای رفع آن اقدام کرد، به چشم نمی‌آید. همه اقداماتی که باید در راستای پایان دادن به فجایع انجام گیرد و نمی‌گیرد؛ به یک جنایت فجیع مبدل می‌گردد. هر روز فاجعه‌آمیزتر از دیروز!

خبر قتل یک کارگردان جوان به دست والدینش همه را تحت تأثیر قرارداد. تمام سوال‌های بی‌پاسخی که این سال‌ها ما را عذاب میداد، این بار به زبان می‌آید. چه میشود سرنوشت کسی که با دستانش فرزندش را می‌کشد؟ پاسخ این همه خشونت را چه کسی می‌دهد؟ تاوان مشوش شدن اذهان مردم را چه کسی می‌دهد؟ بعد از این همه فاجعه مشابه، چرا هر روز باز هم این اتفاقات وحشتناک در حال وقوع است؟ اصلاح این ماجرا از بطن خانواده باید شروع گردد یا از اصلاح قوانین؟

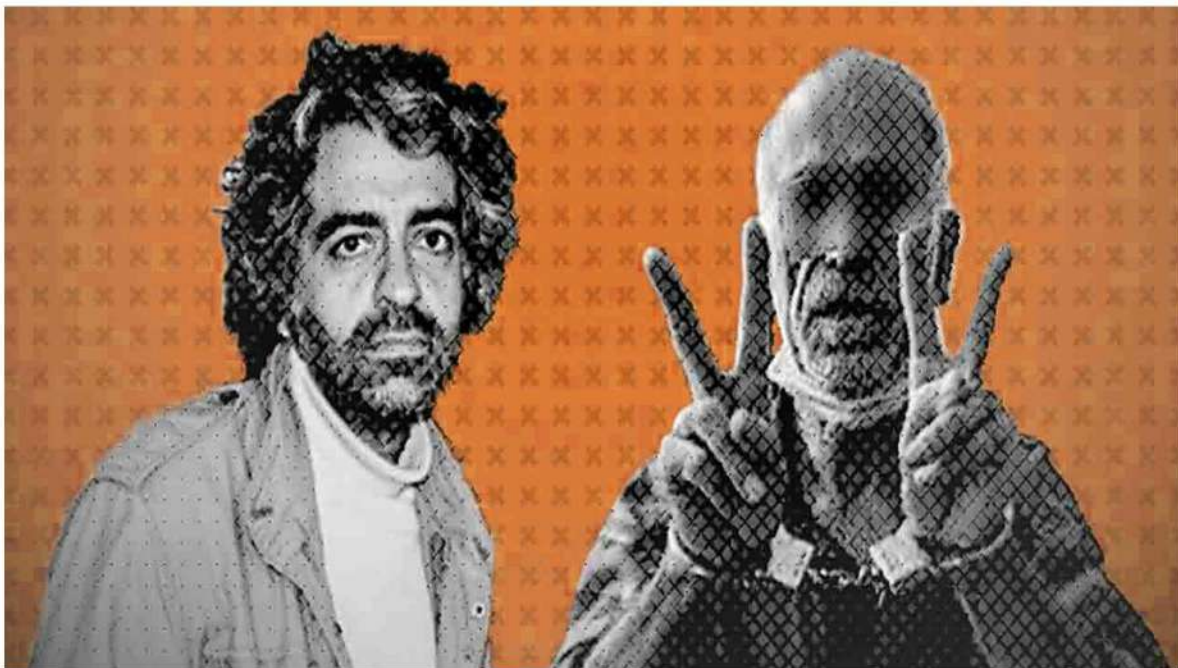
با توجه به حساسیت و اهمیت این موضوع با همت گروه تحریریه نشریه انصاف، به بررسی ریشه‌ای این موضوع خواهیم پرداخت. از همه عزیزانی که در این روزهای یأس، چراغ امید ما را روشن داشتند و ما را در انتشار این نشریه همراهی کردند کمال تشکر و قدردانی را دارم. این شماره از نشریه انصاف با افتخار به کسانی تقدیم می‌شود که تحت خشونت خانگی قرار گرفته‌اند و مأمن آنها سقف فیزیکی خانه‌شان نیست.

بررسی قتل فرزند در حقوق ایران با نگاهی به فرزندکشی‌های اخیر



معصومه حسینی صفا

ورودی ۹۶



یکسال پیش در همین روزهای بهاری به لطف رسانه‌های مجازی و گستردگی شبکه‌های اطلاع‌رسانی، قتل رومینا اشرفی و بعد از آن ریحانه عامری، سرتیتیر بسیاری از رسانه‌های داخلی شد. متأسفانه پدران رومینا و ریحانه در اقدامی غیر انسانی فرزندانشان را به طور خشونت‌آمیزی به قتل رساندند. در ماه‌های گذشته نیز خبر سلاخی شدن کارگردان معروف این کشور توسط پدر و مادری که حتی به کرده خود نیز پشیمان نشده بودند، سروصدایی عجیب به پا کرد و در این حین اعتراف به قتل‌های دیگر توسط این خانواده، شگفتی و خوف عظیمی در بین مردم ایجاد کرد.

اگر بخشیده شوی؟

«بچه‌هایم لیاقت من و همسر من را نداشتند. رفتارهایشان غیراخلاقی بود و باید از بین می‌رفتند تا جامعه از وجود آن‌ها پاک شود. شاید بابت قتل دامادم بخشیده نشوم اما اگر بیرون از زندان بودم حتماً دختر و پسر دیگرم را همراه دو نوه‌هایم به قتل می‌رساندم تا جامعه با رفتن آن‌ها نیز پاک‌تر شود. پشیمانی؟ نه. افتخار می‌کنم آن‌ها را کشته‌ام.»

— سخنان پدر بابک خرم‌دین در جلسات رسیدگی —

نگاهی به قانون مجازات اسلامی:

بر اساس ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲): «مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.» یکی از این شروط عدم وجود رابطه ابوت بین قاتل و مقتول است؛ یعنی در صورتی که قاتل پدر یا اجداد پدری مقتول بوده باشد، قصاص نخواهد شد.

ماده ۳۰۱ قانون مجازات (مصوب ۱۳۹۲): «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.» در این مورد نیز پدر بابک خرم‌دین قصاص نشده و به مجازات مذکور در ماده ۶۱۲ قانون مجازات محکوم می‌شود.

ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵): «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم، صیانت

فرزندکشی یا به عبارتی سلب حیات از فرزند توسط پدر و مادر با تحقق ارکان مادی، قانونی و معنوی اتفاق می‌افتد. در این خصوص بسیاری از فقها با استناد به روایت امام صادق، قتل فرزند توسط پدر را مانع قصاص او می‌دانند و این در حالی است که حقوق‌دانان و صاحبان خرد، با نگاهی انتقادی به این موضوع آن را قانونی جرم‌زا اعلام می‌دارند. با این حال، قتل فرزند توسط پدر و عدم قصاص قاتل، قانونی عام محسوب می‌شود و تخصیصی به آن وارد نشده است و قتل فرزند توسط مادر نیز چون با این حکم کلی مشمول استثنائات نشده است، مجازات قصاص دارد. حال با اینکه فرزندکشی در همه جهان در حال افتادن است ولی آنچه که به این موضوع ناانسان‌دوستانه در ایران دامن می‌زند، مجازات ناعادلانه

اقدام به فرزندکشی می کنند، با عدم رعایت موازین حقوق بشری و نادیده گرفتن حق حیات مطلق برای انسان ها، هیچ تخفیفی در مجازات مادر مانند پدر اعمال نمی شود. شاید بتوان گفت این تبعیض قانونی به ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی برمی گردد که به موجب آن فقط پدر و جد پدری ولی طفل شناخته می شوند، یا بر اساس ماده ۱۱۸۱ که هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند درحالی که مادران این حق ولایت بر فرزندان خود را ندارند. در این میان مجازات ۳ تا ۱۰ ساله برای این افراد اثر بازدارندگی مناسبی در کلان شهرها ندارد و از طرفی، کنشگران مدنی عموماً مجازات اعدام را مجازاتی غیرقابل بازگشت و غیرانسانی می دانند و آن را به طور کلی برای جرمی نفی می کنند.

فروغ سمیع نیا، کنشگر حقوق زنان در این باره می گوید: «مشکل در قوانین مربوط به فرزندکشی این است که قانون، فرزند را جزو اموال پدر یا جد پدری می داند و این دقیقاً موضوعی است که ما به آن انتقاد داریم؛ اینکه قانون بین قتل و فرزندکشی تفاوت بگذارد یا بین ارتکاب جرم زن و مرد تبعیض قائل شود، دقیقاً نقطه ای است که بی عدالتی را بیش از پیش آشکار می کند. در بیشتر جوامع پیشرفته، فرزند متعلق به جامعه است و دولت موظف است از جان کودکان در مقابل هر شخصی از جمله والدین محافظت کند و برای این کار قوانینی نیز وضع شده است و اجرامی شود. اما در ایران، دولت نه تنها هیچ مسئولیتی در قبال کودکان جامعه ندارد، بلکه پدر و جد پدری را صاحب اختیار فرزند می داند و در مجازات قتل آنان نیز تخفیف زیادی قائل شده است. به بیان دیگر، مجازات مناسبی برای قتل فرزند در نظر نگرفته است. متأسفانه این موضوع بیشتر بر زندگی فرزندان

و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید.»

در خصوص فقه و روایات در ارتباط با حکم عدم قصاص پدر هم، پاره ای از فقیهان به روایت امام صادق اشاره می کنند. از روایت «لَا يُقْتَلُ الْأَبُ بَابْنِهِ إِذَا قَتَلَهُ وَ يُقْتَلُ الْإِبْنُ بِأَبِيهِ إِذَا قَتَلَ أَبَاهُ؛ پدر در صورتی که فرزندش را بکشد قصاص نمی شود؛ اما فرزند اگر پدرش را بکشد قصاص می شود.» یا روایت «لَا يُقْتَلُ الرَّجُلُ بِوَلَدِهِ إِذَا قَتَلَهُ؛ مردی اگر فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود.» عدم قصاص پدر در صورت قتل فرزند خویش استنباط می شود. البته استناد به کلمه رَجُلٌ برای تخصیص روایت به پدر، چندان موجه نیست؛ زیرا معمولاً از این واژه در روایات بدون اینکه نظر به جنس مذکر باشد استفاده می شود. براساس فقه شیعه، پدر یا جد پدری در صورت قتل فرزند قصاص نمی شوند اما مادر چنین حکمی ندارد. فقهای اهل سنت با تمسک به استحسان (استحسان به معنای نیکو شمردن، یکی از قواعد فقهی برخی مذاهب اهل سنت همچون حنفی، مالکی و حنبلی است. کارکرد تمسک به استحسان وقتی است که فقهی بخواهد به خاطر مصلحتی خاص از یک دلیل فقهی عدول کند.) این حکم را شامل مادر نیز دانسته اند.

نگاه انتقادی؛ تبعیض یا عدالت؟

در چنین شرایط مشابهی وقتی که هر یک از والد یا والده



دختر تأثیر گذاشته است و قتل های ناموسی حاصل این بی عدالتی در مجازات و تفکری است که پدر را صاحب اختیار فرزند می داند.»
از نظر نوشین کشاورز نیا، کنشگر حقوق زنان: «قتل عمد (گرفتن جان انسانی دیگر، چه فرزند چه غریبه) جرمی است که تصمیم گیری درباره مجازات آن باید به محاکم قضائی سپرده شود. گاهی قاتل کسی است که در رابطه با مقتول هم تعهد نگهداری و مراقبت دارد هم قدرت مثل رابطه والد و فرزند. پس در این موارد محکمه قضائی باید مجازات شدیدتری نسبت به انواع دیگر قتل عمد در نظر بگیرد. با اعدام موافق نیستیم ولی فکرمی کنم این نوع جرم طوری است که باید اشد مجازات را در پی داشته باشد؛ مثل حبس ابد یا حبس طولانی مدت با اقدامات جبرانی در سطح خانواده و اجتماع، به گونه ای که والدین (درواقع پدر) بفهمند که مالک جان فرزندانشان نیستند و اگر خطایی کنند با پیامدهای جدی روبرو خواهند شد، نه سه تا ده سال حبس.»

نتیجه گیری

به نظر می رسد در مرحله ای که فرزندکشی در میان مردمان ایرانی رواج پیدا کرده است و همین خشونت، تأثیر قباحت این پلیدی را کم از دست می دهد و دستان خانواده را برای ارتکاب این جرم کمی باز می گذارد، در درجه اول باید به اصلاح قوانینی پرداخت که فرزند را کاملاً تحت سلطه خانواده ایرانی معرفی می کند و پدر را صاحب اختیار اعلام می دارد. همین که اصلاح قوانین و عقوبتی که قانون مجازات اسلامی برای پدر و مادر در نظر می گیرد و تبعیض آشکار بین آنان ایجاد می کند، بیش از پیش به جرم زایی این عمل (فرزندکشی) دامن می زند. ایجاد مجازات قصاص برای پدرانی که فرزند خود را به قتل میرسانند، و از بین بردن این تبعیض به نفع

پدران، خواسته اول بسیاری از کنشگران حقوقی و مدنی است. چه بسا همین تبعیض و عدم قصاص پدر و صاحب قدرت قراردادن او در امور اجتماعی و خانوادگی، سرآغاز بسیاری از مصیبت های اجتماعی از قبیل خودکشی، خودسوزی، قتل های ناموسی و ... است. همین که فقیهان ما در این عصر در تلاشند نگاهی ترقی خواهانه به جنبه های زندگی اجتماعی و یا حتی قانونی داشته باشند و بسیاری از مسائل گذشته را بنابر مصلحت اجتماعی تغییر دهند و فتوایی جدید صادر کنند (مانند برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان)، اینک انتظار می رود با فتوایی مناسب برای مصلحت زندگی اجتماعی خانواده های ایرانی، زمینه را برای اصلاح ماده های تبعیض آمیز قانون مدنی و مجازات اسلامی ایجاد کنند. چه بسا این امید می رود که با توجه به مبانی حقوق بشری و یکسان پنداشتن نقش پدر و مادری در تربیت و نگهداری از فرزند، این موضع تبعیض آمیز بیش از پیش از صحنه عمل و مجازات این کشور رخت بر بندد و دیگر شاهد چنین موضوعات تبعیض آمیز و ناعادلانه ای در میان والدین نباشیم و همچنین با اصلاح ماده های قانونی این موضوع، در کنار مجازات هایی از قبیل حبس، به دنبال رویکرد عدالت ترمیمی باشیم؛ چه بسا از این طریق بتوانیم عقبه بسیاری از این خشونت ها را در یابیم و ریشه این معضلات را بسوزانیم.

منابع

حائری، محمد حسن، و مرادی، مرتضی. پژوهش فقهی در مسئله قصاص مادر در قتل فرزند
قدسی، ابراهیم، و یحیی زاده، یاسر. الحاق جد پدری و مادر به حکم معافیت پدر از قصاص در قتل عمدی فرزند
قادری، فاطمه، و هادیان، مهدی، و هادیان، حامد. تأملی در باب مجازات پدر و مادر در قتل فرزند از منظر فقهی و حقوقی

بررسی شیوه‌های پیگیری حقوقی در خریدهای اینترنتی



یگانه کریمی مقدم

ورودی ۹۹

مقدمه

در ایران مدتی است که بازار فروشگاه‌های اینترنتی و خریدهای آنلاین بسیار داغ و پرجاذبه است. وجود دلایلی چون عدم وجود زمان کافی، ترافیک‌های سنگین و در حال حاضر وجود بیماری کرونا باعث شده است که بسیاری از افراد تمایل بیشتری نسبت به این شیوه خرید داشته باشند.

باید گفت که فروشگاه‌های اینترنتی نیز در جلب مشتریان به خوبی عمل کرده‌اند؛ مانند دسترسی بیست و چهار ساعته، تنوع بالای محصولات و مقایسه قیمت‌ها در بستری مشخص که این تنها بخشی از ویژگی‌های متمایزکننده فروشگاه‌های اینترنتی می‌باشد.

با وجود تمام ویژگی‌ها و امتیازات ذکرشده، برخی افراد به دلیل تازه بودن این فضا و عدم آگاهی کافی مشتریان، دست به اقدامات سوئی می‌زنند. در این نوشته قصد داریم که به اختصار مهمترین راه پیگیری از این اقدامات، راه‌های پیگیری شکایات از فروشگاه‌های اینترنتی و حقوق مصرف‌کنندگان را شرح دهیم.

حقوق مصرف‌کنندگان

حقوق مصرف‌کنندگان فی الواقع شاخه‌ای از حقوق است که با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان به وجود آمده است. حقوق مصرف‌کنندگان، در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب سال ۱۳۸۸ به اختصار بیان شده‌است اما برای درک بهتر و احاطه کامل بر این حقوق، گذری بر قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲ می‌زنیم.

ماده ۳۳ قانون تجارت الکترونیکی:

«فروشندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات، بایستی اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند.» حداقل اطلاعات لازم شامل

موارد زیر می‌باشد:

- مشخصات فنی و ویژگی‌های کاربردی کالا و یا خدمات.
- هویت تأمین‌کننده، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول می‌باشد و نشانی وی.
- آدرس پست الکترونیکی، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند.
- کلیه هزینه‌هایی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود از جمله: قیمت کالا و یا خدمات، میزان مالیات، هزینه حمل و هزینه تماس.
- مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می‌باشد.
- شرایط و فرآیند عقد از جمله: ترتیب و نحوه پرداخت، تحویل و یا اجرا، فسخ، ارجاع، خدمات پس از فروش.

ماده ۳۷ قانون تجارت الکترونیکی:

«در هر معامله از راه دور، مصرف‌کننده باید حداقل ۷ روز کاری وقت برای انصراف از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف‌کننده، پس باز فرستادن کالا خواهد بود.»

ماده ۴۲ قانون تجارت الکترونیکی:

- حمایت‌های این فصل قانون در این موارد اجرا نخواهد شد:
- خدمات مالی که فهرست آن به موجب آیین‌نامه است که در ماده ۷۹ همین قانون آمده.
 - معاملات راجع به فروش اموال غیرمنقول و یا حقوق مالکیت ناشی از اموال غیرمنقول به جز اجاره.
 - خرید از ماشین‌های فروش مستقیم کالا و خدمات.
 - معاملاتی که با استفاده از تلفن عمومی (همگانی) انجام می‌شود.
 - معاملات راجع به حراجی‌ها.

۱- در صورت تمایل رجوع شود.

۲- به اختصار سعی شد مهم‌ترین مواد قانون تجارت الکترونیکی با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان شرح داده شود، هرچند در صورت تمایل می‌توان به قوانین متعددی در همین راستا مراجعه کرد اما شوربختانه این فضا برای ارائه تمامی مواد قانونی محدود می‌باشد.



لازم به ذکر است که دعاوی که در همین حیطه مطرح می‌شوند یا حقوقی هستند یا کیفری. گاهی صرفاً قراردادی که بین مصرف کننده و تأمین کننده منعقد شده دچار نقص است یا کالایی که فرستاده میشود با مشخصات اعلام شده به مصرف کننده، یکی نیست. این دعاوی علی‌الاصول ضمانت اجرای کیفری ندارند و دعاوی حقوقی محسوب می‌شوند. اما گاهی اوقات قراردادی در عالم خارج منعقد نشده و تأمین کننده صرفاً یک شخص مجازی بوده است که در این صورت می‌تواند در زمره جرایم اینترنتی نظیر کلاه برداری‌های اینترنتی قرار بگیرد و بدون شک، اگر اینگونه جرایم برای دادگاه صالح محرز شود، اشخاص به موجب قانون مجازات کیفری خواهند داشت.

نتیجه گیری

شایان ذکر است، فضای مجازی بستری مناسب برای کسب و کارهای اینترنتی است و بسیاری از مشاغل موجود در عالم خارج هم میتوانند با حضور در این بستر زمینه های پیشرفت خود را فراهم کنند اما باید توجه کرد در بستری که قانون بر آن حاکم نیست، در آینده‌ای بسیار نزدیک، ناامنی و مقاصد سوء بر آن سلطه می‌اندازند.

تمام تلاش ما برای آگاهی شما عزیزان در استفاده از این فضا بود اما برای اطمینان خاطر خودتان توصیه می‌شود صرفاً از سایت‌ها و فروشگاه‌هایی خرید نمایید که دارای نماد اعتماد الکترونیکی باشند.

منابع

قانون تجارت الکترونیکی
اسکینی، ربیعا، و مهربخش، مهرداد (۱۳۹۴). کسب و کارهای اینترنتی در آینه حقوق. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، شماره ۳.
مجله حقوقی وینداد

www.enamad.ir

شیوه‌های پیگیری حقوقی در خریدهای اینترنتی
به دلایل مختلف، عمداً و عالماً و گاهی سهواً حقوق مصرف کنندگان از سوی فروشگاه‌های اینترنتی زیر پا گذاشته می‌شود. حال به هدف اصلی این نوشته یعنی شیوه‌های پیگیری حقوقی در خریدهای اینترنتی می‌پردازیم:
۱- اگر سایت یا فروشگاه اینترنتی متخلف دارای نماد اعتماد الکترونیکی باشد به راحتی می‌توان از طریق سایت زیر شکایت خود را ثبت کرد.

www.trustseal.enamad.ir

باید توجه کرد صرفاً تخلف فروشگاه و سایت‌های اینترنتی در این روش به پاسخ منجر میشود که سایت متخلف دارای نماد اعتماد الکترونیکی باشد.

عمدتاً طرح شکایت از این مجرا به سرعت پاسخ داده می‌شود اما گاهی اوقات به دلایل مختلف از جمله وجود شکایات متعدد در این سامانه روند پاسخگویی طولانی و خسته کننده به نظر میرسد.

۲- روش دوم برای شکایت از فروشگاه‌های اینترنتی متخلف، سایت پلیس فتا می‌باشد.

www.csirc.cyberpolice.ir

سایت پلیس فتا برای تمامی تخلفات توسط هر سایت، فروشگاه، اپلیکیشن و حتی بازی‌های اینترنتی کارایی دارد. روند کار پلیس فتا جلوگیری از جرایم اینترنتی و ایجاد یک بستر مطمئن و امن برای کاربران است. پس بهتر است تا زمانی که فروشگاه متخلف دارای نماد اعتماد الکترونیکی است و تخلف مورد نظر از مصادیق جرایم به حساب نمی‌آید از روش اول استفاده کرد.

۳- روش سوم اقدام از طریق مراجع قضایی است.

باید خاطر نشان کرد که حق مراجعه به مراجع قضایی برای تمامی مصرف‌کنندگان در هر مرحله‌ای وجود دارد اما به دلیل زمانبر بودن و بعضاً پیچیدگی‌های اداری موجود و اینکه گاهی اوقات استفاده از دو روش دیگر، مصرف‌کنندگان را به حقوق خود میرساند، این روش پیشنهاد نمیشود.



بررسی حقوقی جرم تجاوز با تأکید بر چگونگی اثبات آن



رکسانا خاکپور

ورودی ۹۹

چکیده

تجاوز جنسی پدیده‌ی است که از گذشته‌های بسیار دور در میان جوامع رایج بوده است و متأسفانه تا به امروز هم ادامه داشته است. اما امروزه این معضل به جهت ترویج دو مقوله خشونت و سکس در سطح بسیار گسترده‌ای افزایش یافته است و یکی از مصادیق بارز خشونت علیه زنان به شمار می‌رود. این نوشتار بر آن است که با بررسی تجاوز به عنف از منظر حقوقی و ادله اثبات آن گامی هر چند کوچک در راستای آشنایی قربانیان با حقوق خود بردارد. امید است که مسیر استیفای حق بر آنان هموار گردد.

مقدمه

ارزش‌های مورد قبول هر جامعه به طور معمول به شدت مورد حمایت افراد جامعه بوده است و حساسیت خاصی نسبت به آن‌ها وجود دارد و صیانت از این ارزش‌ها از اهم مسائل در هر جامعه‌ای است. به طوری که نقض آنان، واکنش نظام حاکم بر جامعه را برانگیخته و پیکره جامعه در صدد مقابله با آن بر می‌آید. در جوامع اسلامی که یک برنامه جامع توسط شارع مقدس، شیوه زندگی مردم و ارزش‌های مورد حمایت خود را مشخص کرده است؛ برای نقض این ارزش‌ها نیز مجازات‌هایی تعیین شده که اگر افراد برخلاف آن حرکت کنند، بر اساس مقررات و موازین اسلامی مجازات خواهند شد.

یکی از ارزش‌های مورد حمایت اسلام که از دیرباز مورد حمایت همه جوامع مهم بوده است و موجبات بقای نسل انسان را فراهم آورده، عفت و پاکدامنی است. به طوری که شارع مقدس به شدت با رفتارهای مغایر با آن به مقابله پرداخته است. مجازات‌های سنگین در نظر گرفته شده توسط شارع مقدس حکایت از سنگینی جرم



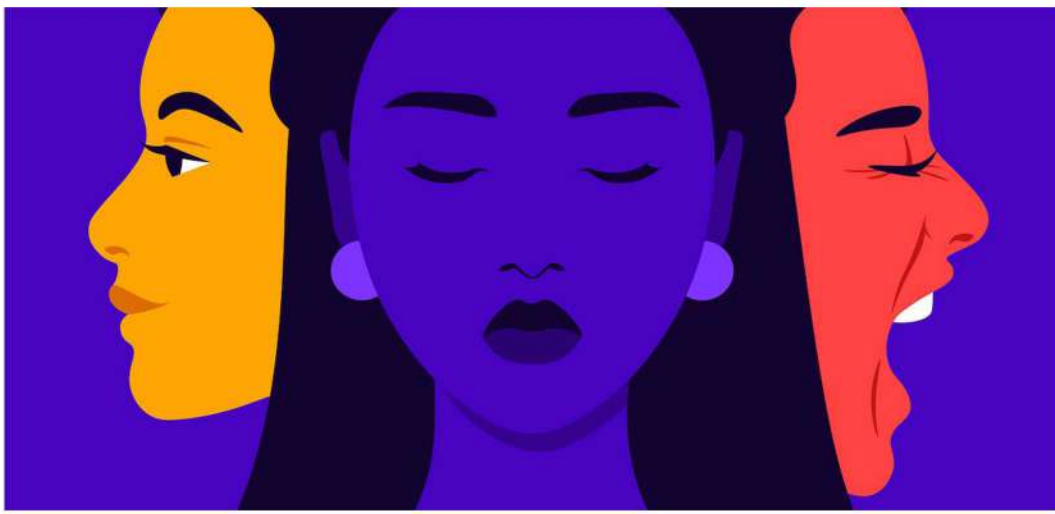
ارتكابی دارد. اما با توجه به اینکه سیاست اسلام در برخورد با جرائم مبتنی بر بزه‌پوشی، ستر و پوشش گناهان است. لذا شیوه اثبات این جرم با دشواری‌هایی همراه است که البته حقوق شخص بزه‌دیده و حمایت از او ایجاب می‌کند که این شیوه حداقل در اثبات تجاوز جنسی که مفهومی متفاوت از زنا دارد، تعدیل گردد. با توجه به صحبت‌های گوناگون پیرامون این مسئله، لزوم بررسی حقوقی جرم تجاوز و ادله اثبات آن ضروری به نظر می‌رسد. اثبات تجاوز جنسی رویه سختی دارد و از نظر قانونی خلأهای زیادی در پیگیری این پرونده‌ها وجود دارد، لذا اطلاع از ادله اثبات این جرم برای حمایت از بزه‌دیده و همچنین احقاق حقوق او کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

قلمرو جرم انگاری جرم تجاوز

از دیدگاه فقهی هرگونه آمیزش جنسی خارج از چهارچوب ازدواج و روابط زناشویی ممنوع و مستوجب حد است. هرگاه که یکی از طرفین راضی به این امر نباشد و دیگری او را مجبور به ارتکاب این عمل نماید، این ویژگی برای فرد اکراه‌کننده از کیفیات مشدده محسوب و موجب تشدید مجازات وی می‌شود. از این رو تجاوز به عنف در فقه و به تبع آن در قوانین کیفری در زمره جرائم زنا قرار گرفته است.

در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی در تعریف زنا آمده است: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نباشد و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.» و در ماده ۲۲۴ نیز زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی را موجب اعدام زانی دانسته است.

مستفاد از مواد فوق الذکر و تبصره یک ماده ۲۲۱ (جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قبل یا دبر محقق می‌شود) دو نکته



ممکن است با گذر این زمان دیگر آثار تجاوز از بین رفته باشد و پیشنهاد می شود تا قبل از معاینه توسط پزشک قانونی از استحمام و مسواک زدن خودداری نمایند. همچنین لباس های خود را با دقت در پلاستیک تمیز در بسته ای قرار دهند و چنانچه گمان می کنند متجاوز به آن ها داروی خواب آور و یا ماده بیهوش کننده داده است، مراتب را به پزشکی قانونی اطلاع دهند.

همچنین تمامی تصاویر، صوت و تمامی مدارک الکترونیک از جمله تماس، پیامک، ایمیل، اینستاگرام، تلگرام، توئیتر، واتساپ، فیس بوک و ... می توانند از جمله دلایل اثبات دعوا قرار گیرند؛ لذا باید تمامی این مستندات با دقت و حساسیت خاصی گردآوری شوند و در چند نسخه کپی و نگهداری شوند. قربانیان می توانند در صورت تمایل در مراجعه اولیه به کلانتری تقاضا کنند تحقیقات اولیه با حفظ محرمانگی توسط پلیس زن انجام شود و نیز چنانچه متجاوز از آشنایان باشد، تهیه لیستی از افراد شاهد ملاقات شما و همچنین محل ملاقات، می تواند در روند رسیدگی به علم قاضی کمک کند.

نتیجه گیری

یکی از عوامل گسترش روزافزون تجاوز در کشور ما عدم گزارش از سوی قربانیان است که اغلب به دلیل نگرش های بدبینانه در جامعه و فرهنگ رایج قربانی نکوهی است. بدان معنی که متأسفانه اغلب به جای متجاوز، قربانی مورد سرزنش واقع می شود و او را مسئول این اتفاق ناگوار می پندارند و گاه نیز به این علت که متجاوز فردی از نزدیکان قربانی می باشد، قربانی از بازگویی این مسئله به علت مجازات های پیش روی متجاوز خودداری می کند.

امید است با اطلاع رسانی ها به تدریج نگرشی صحیح در جامعه حاکم شود و به جای نکوهش و سرزنش کردن قربانی او را تشویق به بازگویی، مراجعه به مشاور و احقاق حق خود کنیم تا اندکی از آلام و رنج های آنان کاسته شود و شاید با بازنگری در مجازات متجاوز، دیگر قربانیان تجاوز از سوی محارم، واهمه ای از بازگویی این مسئله نداشته باشند.

منابع:

رضا رمضان نرگسی، تجاوز و بزه دیدگی زنان.
توجهی، عبدالعلی؛ و توکل پور، محمدآبادی، وجوه تمایز زنا و تجاوز به عنف.

قابل استنباط است. نکته اول اینکه نه در منابع فقهی و نه در قوانین موضوعه هیچ گونه ابزاری جهت اعمال محدودیت نسبت به التذاذ جنسی شوهران از همسران خود وجود ندارد؛ چراکه زنا به عنف یا تجاوز تنها با جماع مرد با زنی که ذاتاً بر او حرام است، محقق می شود.

نکته دوم اینکه با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۲۱، تجاوز جنسی مستلزم دخول اندام تناسلی مرد است و لذا قانون گذار استعمال اشیای مختلف نسبت به قربانیان و یا اجبار قربانیان به روابط جنسی از طریق دهان را از مصادیق تجاوز به عنف ندانسته است؛ اگرچه که آسیب های روحی و روانی ناشی از این گونه روابط، کم تر از رابطه جنسی توأم با دخول نیست. در صورتی هم که قربانی در هنگام برقراری رابطه جنسی در حالت عادی نباشد، تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد، هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگر موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است. در صورتی که قربانی در حالت عادی نباشد و با این شرایط تمایل به برقراری رابطه داشته است، تصریحی مبنی بر اینکه آیا این عمل مصداق تجاوز است یا خیر در قوانین کیفری دیده نمی شود. اما از آنجایی که رضایت آدمی تحت شرایط غیرنرمال اعتباری ندارد، باز هم تجاوز به عنف محسوب می شود؛ البته این مسئله به اجباری یا اختیاری مصرف کردن مواد هم بستگی دارد.

راه های اثبات جرم تجاوز

ادله اثبات جرم، مهم ترین و اصلی ترین مسیری است که قربانی برای احقاق حق خود آن را طی می کند. در نظام حقوقی اسلام ادله اثبات دعوی اصولاً عبارتند از: اقرار، شهادت و علم قاضی که البته اختصاصی به جرم زنا به عنف ندارد و در کلیه دعاوی حقوقی و کیفری به کار می رود و اختصاص به جرائم منافی عفت ندارد. قانون کیفری جمهوری اسلامی ایران برای اثبات این ادعا حضور چهار شاهد را لازم دانسته است که البته برای اثبات مسئله تجاوز به عنف، شهادت چهار نفر ضروری نیست و اگر قاضی به این علم برسد که تجاوز صورت گرفته است، می تواند حکم را صادر کند.

نظر پزشکی قانونی یکی از نظریات کارشناسی است که در صدور حکم به قاضی کمک می کند. اگر آثاری از متجاوز باقی مانده باشد با نمونه برداری و آزمایش دی ان ای می توان تشخیص داد که آیا این آثار منتسب به متهم است یا خیر. اما در صورتی که آثاری وجود نداشته باشد، پزشکی قانونی با تأیید اینکه تجاوز نسبت به قربانی صورت گرفته است، می تواند تنها همراه با ادله دیگر در رأی قاضی اثرگذار باشد. به همین دلیل همواره به قربانیان پیشنهاد می شود در ۲۴ تا ۴۸ ساعت اولیه به پزشکی قانونی مراجعه کنند؛ چراکه

مختصری بر مبانی حمایت حقوقی از شهرت



فاطمه بدر افشان

ورودی ۹۶

مقدمه

امروزه اشخاص مشهور تأثیر بسزایی در امور مختلف جامعه و به ویژه در اقتصاد آن دارند. چنان‌که در علم بازاریابی ثابت شده است که استفاده از اشخاص مشهور در تبلیغات به ویژه آن‌جا که به معنای تأیید کیفیت محصول از سوی آنان باشد، باعث می‌شود تا موضوع تبلیغ در طولانی‌ترین زمان ممکن در ذهن مخاطب نقش ببندد. همین موضوع باعث شده است که در نظام‌های حقوقی مختلف، حق ویژه‌ای برای این اشخاص نسبت به شهرتشان در نظر گرفته شود. برای مثال در نظام حقوقی آمریکا، اشخاص مشهور از حقی به نام حق جَلوت (the right of publicity) که در مقابل حق خلوت (the right of privacy) قرار دارد، بهره‌مندند.

به عبارت دیگر، اشخاص حق دارند در خلوت خود بمانند و کسی از مزاحم حریم خصوصی آن‌ها نشود اما اگر کسی خواست خلوت خود بیرون بیاورد و نشانه‌های هویتی خود را به جامعه عرضه کند، برای مثال از تصویر یا صدای خود استفاده کند و در مقابل آن چیزی دریافت کند، نسبت به آن صدا یا تصویر حقی به دست می‌آورد و کسی حق ندارد از نشانه‌های هویتی آن فرد بدون اجازه او استفاده کند.

چرایی بحث راجع به مبانی حمایت از حق شهرت

در ابتدا به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که بحث راجع به مبانی حمایت از حق شهرت، چرا اهمیت دارد؟
دلیل اول، ایرادات متعددی است که بسیاری از نویسندگان نسبت به وجود حقی به نام حق جلوت طرح کرده‌اند؛ برای مثال عده‌ای معتقدند به رسمیت شناختن چنین حقی سبب می‌شود، ثروت جامعه تنها در اختیار افراد مشهور باقی بماند. به عقیده این گروه، وقتی اشخاص مشهور برای حضور در یک فیلم یا مسابقه ورزشی دستمزد خود را دریافت می‌کنند، به اجرت خود می‌رسند و دیگر نیازی نیست برای شهرت آن‌ها که اثر ثانویه کارشان است، اجرتی قائل شویم.

دلیل دوم، مسئله حمایت از شهرت اتفاقی است. منظور از شهرت اتفاقی، مشهور شدن افراد بی‌نام و نشان به طور کاملاً اتفاقی و بدون هیچگونه کار و تلاش قبلی (برخلاف افرادی مثل هنرمندان، ورزشکاران و ...) برای رسیدن به آن جایگاه است؛ مثل مشهور شدن افراد گمنام در فضای مجازی. در واقع، با شناخت مبانی حمایت از حق شهرت در پی پاسخ به این سوال هم هستیم که آیا

The right of publicity



The right of privacy

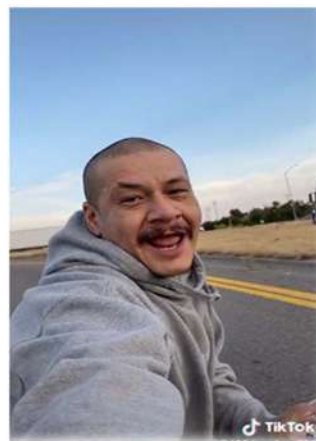
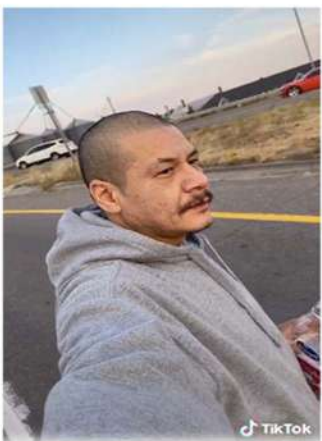
شهرت اتفاقی نیز مستحق حمایت می‌باشد یا نه؟

برخی از مبانی حمایت حقوقی از شهرت

اولین مبنا: مالکیت بر حاصل کار

این مبنا، یک مبنای اخلاقی است که براساس نظریه کار جان لاک مطرح شده است. این نظریه به بیان ساده به این معناست که انسان‌ها با کار زیاد، صرف وقت و هزینه به شهرت می‌رسند. در واقع، شهرت نتیجه فعالیت سخت و خلاقانه آن‌ها است. بنابراین، اشخاص مشهور باید بتوانند از نتیجه کار خویش یعنی شهرت به دست آمده استفاده کنند.

این مبنا در نظام حقوقی آمریکا که مبتنی بر ارزش‌های سرمایه‌داری است، با اقبال چندانی مواجه نشد. چراکه در جامعه سرمایه‌داری، شهرت افراد می‌تواند برای تبلیغات کالاها، خدمات و در نتیجه، کسب سود بیشتر مفید واقع شود. در نتیجه، در این نظام، خود شهرت فی‌نفسه اهمیت دارد اعم از اینکه برای آن شهرت زحمت کشیده شده باشد یا اینکه شهرت اتفاقی بوده باشد. نمونه اخیر حمایت از چنین شهرتی، نیتن آپوداکا می‌باشد. یک کارگر آمریکایی که بعد از انتشار ویدیویی در تیک‌تاک مشهور و پولدار شد. نیتن آپوداکا، یک روز صبح که ماشینش خراب شده بود، با اسکیت سر کار رفت. در حال اسکیت سواری و نوشیدن آبمیوه یک ترانه مشهور آمریکایی را با خود می‌خواند؛ ویدیویی ضبط کرد و روی تیک‌تاک گذاشت.



پس با وجود این آگاهی دلیلی برای تحقق فریب وجود ندارد.

چهارمین مبنا: دارا شدن بلاجهت

دارایی اشخاص تنها اموال ملموس آن‌ها نیست بلکه هر چیزی که بتوان از آن بهره اقتصادی برد، جزء دارایی شخص شمرده می‌شود. بر همین اساس و از آنجا که شهرت دارای ارزش اقتصادی است، تردیدی نیست که می‌تواند جزء دارایی شخصی به حساب آید. حال اگر برای مثال، یک شرکت تجاری از شهرت شخصی بدون رضایت او در تبلیغ محصول خود استفاده کند و از این محل کسب سود کند، در واقع، به صورت بلاجهت دارا شده است. بنابراین، حقوق برای جلوگیری از این بی‌عدالتی باید از حقوق اشخاص مشهور حمایت کند و حق ویژه‌ای را برای آن‌ها به رسمیت بشناسد. در رویه قضایی آمریکا، آلمان و فرانسه در پرونده‌های مختلف به این مبنا اشاره شده است. در حقوق ایران هم استناد به این مبنا برای حمایت از حق شهرت قابل توجیه است. برای مثال، مواد ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی. البته استناد به این قاعده، در مرحله اثبات با دشواری‌هایی همراه است. مثل اثبات رابطه سببیت بین کسب سود و استفاده از شهرت دیگری.



نتیجه‌گیری

به طور کلی، در کشور ایران با توجه به نصوص دینی و قانونی و به طور کلی، روح نظام حقوقی مبنای اصلی ایجاد مالکیت، کار است. نظام حقوقی تنها از آثار مالی شهرتی حمایت می‌کند که محصول زحمت و تلاش باشد و نه از روی اتفاق و تصادف. بنابراین آثار مالی شهرت‌های تصادفی و اتفاقی در کشور ما مورد حمایت نیستند و تنها برای حمایت از آثار غیرمالی این شهرت‌ها می‌توان به مبنای حقوق شخصیت استناد کرد. مثل فرضی که استفاده از شهرت دیگری، ایراد لطمه به شخصیت او شود.

منابع

میرشکاری، عباس (۱۳۹۸)، مبانی حمایت حقوقی از شهرت، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱ شماره ۱.

اما در کشور ما که مبتنی بر نظام حقوقی اسلامی است، کار و تلاش همواره تقدیس شده و به عنوان مبنای مالکیت پذیرفته شده است. اصل ۳۶ قانون اساسی نیز مؤید همین موضوع است. بنابراین در نظام حقوقی ایران، اگر شهرت نتیجه فعالیت نامشروع باشد یا بر اثر شانس و اتفاق به دست آمده باشد، ادعای مالکیت نسبت به آن قابل پذیرش نخواهد بود. البته این موضوع خود محل انتقاد بوده است و به منزله نفی واقعیت‌های موجود در جامعه می‌باشد.

دومین مبنا: حقوق شخصیت

بر اساس این مبنا، نظام حقوقی باید از شخصیت افراد حمایت کند. شهرت نیز نمود ظاهری و بیرونی ویژگی‌های افراد مشهور است. به همین دلیل، نظام حقوقی باید از این جزء مهم شخصیت افراد حمایت کند. بنابراین، هر فردی حق دارد از شخصیت خودش که شهرت هم یکی از اجزا آن است، استفاده تجاری کند. بر این اساس، استفاده از شهرت دیگری بدون اجازه او برای تبلیغات محصول تجاری، نقض حق فرد نسبت به شخصیتش تلقی می‌شود.

ایرادی که به این مبنا وارد شده این است که حقوق شخصی یا غیرمالی (که در مقابل حقوق مالی قرار دارند) برای تأمین منافع و نیازهای معنوی انسان است. این در حالی است که اشخاص مشهور، بیش از آنکه به دنبال حمایت از منافع معنوی باشند، در پی تأمین منافع مالی اند. در واقع، هدف این اشخاص غالباً دریافت مبلغی در مقابل استفاده از شهرتشان است. بنابراین، استناد به این مبنا برای توجیه آثار مالی حق شهرت، موجه نیست اما برای جبران زیان معنوی، می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

سومین مبنا: حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان

اگر حق جلوت به رسمیت شناخته نشود، تولیدکنندگان می‌توانند بدون اجازه اشخاص مشهور از هویت آن‌ها در تبلیغات استفاده کنند. در نتیجه، مصرف‌کننده ممکن است با گمان اینکه محصول موضوع تبلیغ مورد تأیید آن شخص مشهور هم هست، دچار فریب و گمراهی شود. پس با به رسمیت شناختن حق جلوت، شخص مشهور شهرت خود را مدیریت می‌کند. یعنی هویت خود را در تبلیغ محصولی عرضه می‌کند که مورد تأیید خود اوست و این موضوع مانع از گمراهی و فریب مصرف‌کنندگان می‌شود.

در حقوق ایران، قوانین ناظر به تبلیغات بازرگانی، ممنوعیت فریب مخاطب از حیث کیفیت کالا را پیش‌بینی کرده‌اند. مانند ماده ۵۰ قانون تجارت الکترونیک. اما به طور کلی، کارکرد این مبنا بیشتر حفظ حقوق مصرف‌کننده است تا پاسداشت حق اشخاص مشهور. کما اینکه مخاطبین می‌دانند انگیزه افراد از حضور در تبلیغات عمدتاً مبلغی است که دریافت می‌کنند؛

وکالت کسب و کار است یا خیر؟

با نگاهی به قانون اساسی



نوشین بیکی

ورودی ۹۹

کم وکلا و انحصاری بودن این حرفه می دانند. در واقع تعداد کمی از پرونده ها در دادگاه با حضور وکیل بررسی می شوند که باعث ایجاد حجم کاذب پرونده ها در محاکم دادگستری شده است. با حذف ظرفیت گذاری ها تعداد زیادی وکیل به جامعه تزریق و رقابت باعث کاهش هزینه های خدمات حقوقی می شود و سهولت دسترسی مردم به این نوع خدمات را به ارمغان می آورد.

۲. دیدگاه مخالفان:

درمقابل از نظر بسیاری از متخصصین حقوقی، کسب وکار تلقی کردن وکالت غیرمنطبق با واقعیات موجود و برخلاف مصالح ملی تلقی می شود که آن را مغایر با اصول ۲۰ و ۳۵ قانون اساسی می دانند. سؤالی که در این راستا مطرح می شود این است که مگر وکالت دادگستری کسب وکار یا فعالیت تجاری و اقتصادی است؟ این گروه بیان می کنند که وکالت پیش از آنکه یک شغل محسوب شود، بیش تر معرف منصب و جایگاهی است که وظیفه آن حفظ و اعتلای حقوق بنیادین ملی است و پیوند ناگسستنی با مبانی اساسی عدالت و حفظ حقوق عامه دارد. سطح، هدف و شیوه فعالیت وکیل دادگستری، مانع کسب وکار تلقی شدن وکالت است. هدف اولیه کسب وکار، اقتصادی و به دنبال کسب سود و منفعت بودن است که نه در قضاوت و نه در وکالت دادگستری قابل تصور نیست.

از جمله نکاتی که جایگاه وکالت دادگستری را از سایر مشاغل و حرف متمایز و مشخص می کند، این است که شغل وکالت فی نفسه با کسب وکار فاصله بنیادین و حتی تعارض دارد. مقررات متعددی است که شأن و جایگاه وکیل را هم شأن مقامات قضایی اعم از دادستان و قضات دادگاه ها در نظر گرفته است. وکلای دادگستری قبل از شروع به شغل مقدس وکالت دادگستری باید سوگند مخصوص یاد کنند اما چنین تکلیفی برای کسب وکارها و فعالیت های تجاری و اقتصادی ملحوظ نشده است. در اصل ۳۵ قانون اساسی بیان شده است: «در همه دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن ها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.» نهاد وکالت در اصل ۳۵ قانون اساسی و ذیل فصل سوم آمده در حالیکه اقتصاددانان سعی دارند به منظور اشتغال زایی، نهاد وکالت را از فصل سوم به فصل چهارم ببرند. همچنین در اصل ۱۴۱ قانون اساسی نام وکیل دادگستری در کنار رئیس جمهور، معاونین رئیس

در آبان ماه ۹۹ نمایندگان مجلس با طرح اصلاح موادی از قانون اساسی موافقت کردند. به گفته آنها این مصوبه باعث کسب و کار تلقی شدن وکالت میشود در نتیجه بحث های زیادی در میان جامعه حقوقی در گرفت. اکثریت حقوقدانان به مخالفت با این طرح برخاستند و آن را مغایر با قانون اساسی خواندند.

در طرح اصلاح مواد (۱)، (۶) و (۷) قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی که اخیراً در مجلس به تصویب رسیده است، اشخاص و بنگاه های اقتصادی مکلف شدند که مجوزهای کسب وکار خود را در پایگاه مجوزهای کسب وکار ثبت کنند. سؤالی که مطرح می شود این است که اکنون حرفه وکالت مشمول بند (م) ماده ۷ این قانون و به نوعی تابع مقررات کسب وکار تلقی می شود یا نه؟ با وجودی که تیترا بسیاری از خبرگزاری ها حکایت از کسب وکار شدن وکالت می داد، جلیل مالکی، رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز در یک نشست خبری این موضوع را رد کرد و بیان کرد که اصل ۴۴ قانون اساسی، اساساً مربوط به نظام اقتصادی کشور است نه نظام قضایی و وکالت. بنابراین طرح اصلاح این اصل نیز شامل وکالت نمی شود. با وجود تکذیب صریح رئیس کانون وکلا، همچنان گفت وگوها پیرامون این موضوع ادامه دارد و نمایندگان مجلس درصدد پیدا کردن راهی هستند تا وکالت را کسب وکار تلقی کنند.

در این رابطه دیدگاه دو گروه موافقان و مخالفان این طرح را بررسی می کنیم و مصاحبه ای با یکی از متخصصان عرصه حقوق خواهیم داشت.

۱. دیدگاه موافقان:

این دسته از افراد، هر شغلی را که عرضه و تقاضایی داشته باشد، کسب وکار دانسته، بنابراین این طرح را خلاف قوانین اساسی نمی دانند. آنان هدف از کسب وکار تلقی کردن وکالت را کاهش سخت گیری های غیرلازم برای مقابله با بیکاری در سطح جامعه دانسته اند و مخالف با ظرفیت گذاری و محدود سازی به دلیل اشباع بازار هستند. این افراد معتقد هستند که حذف محدودیت ها و ایجاد رقابت در بازار باعث افزایش کیفیت ارائه خدمات می شود. همچنین گران بودن خدمات حقوقی را ناشی از تعداد

جمهور، وزرا و کارکنان دولت قید شده است و همه آنان از اشتغال به شغل وکالت دادگستری، ممنوع شده اند. بنابراین وکالت دادگستری قبل از شغل بودن، جایگاه و منصب است و اهمیت آن به قدری است که در قانون اساسی تعیین تکلیف شده است و فلسفه وجودی آن با کسب وکار تلقی شدن منافات دارد. در ادامه مصاحبه ای خواهیم داشت با استاد دکتر مسلم آقایی طوق (وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت مدیره انجمن حقوق اساسی ایران) و نظر ایشان را درباره این مسئله جویا می شویم:

۱_ در ابتدای ارائه شدن این طرح به مجلس برخی عنوان کردند این طرح مخالف قانون اساسی است و برخی آن را موافق قانون اساسی دانستند. به نظر شما رویکرد قانون اساسی به این مصوبه چیست؟

در واقع قانون اساسی هیچ رویکردی به این مسئله ندارد. هرچند بعضی ها در این باب که وکالت در زمره حقوق ملت است و در فصل سوم قانون اساسی آمده، بحث کردند و آن را نشانگر ارجحیت و تعالی در وکالت دانستند که قانون گذار نخواسته آن را در فصل چهارم بیاورد اما این توجیه غیرقابل پذیرش است. قانون گذار قانون اساسی نسبت به کسب وکار تلقی نشدن وکالت توجه و رویکردی نداشته است. پس نمی توان گفت اگر سازمانی وکالت را کسب وکار تلقی کند، برخلاف قانون اساسی عمل کرده است؛ کمالیکه با حق مالکیت در اقتصاد مطابق قوانین بازار رفتار می شود؛ هرچند که یکی از حقوق ملت است و اینگونه نیست که بگوییم حقی از ما ضایع شده است. پس جواب مشخص من نسبت به سؤال این است که قانون اساسی هیچ رویکرد مثبت یا منفی ای در قبال کسب وکار تلقی شدن یا نشدن وکالت ندارد.

۲_ رویکرد سایر کشورها به مسئله کسب و کار تلقی شدن یا نشدن وکالت چیست؟

کسب وکار بودن یا نبودن وکالت بحث جدیدی نیست و حتی در اوایل قرن بیستم کتاب هایی در این زمینه نوشته شده و بحث شده که آیا وکالت در حوزه بازار است؟ در صورتی که در حوزه بازار قرار بگیرد، تابع قوانین آن است. رویکردی که در این مسئله وجود دارد چنین است که کسب وکار را همچون حرفه^۱ تابع یک سری اخلاق حرفه ای قرار بدهیم. دنیا به سمت حرفه ای کردن کارها در حال حرکت است و نه برعکس. فرض می گیریم چیزی که الان مورد دغدغه است تعداد وکلا و ظرفیت وکلا است که ارتباط مستقیمی با بحث کسب و کار شدن یا نشدن وکالت ندارد. به طور مثال هنگامی که بدنی دچار عفونت می شود ممکن است به تشخیص پزشک برای جلوگیری عفونت دست را قطع کنند. این

علتی است که برای درمان آن باید چنین اقدامی را انجام داد. برای کسب وکار تلقی شدن وکالت علتی که ذکر شده است، بحث ظرفیت آن است. اگر ظرفیت را افزایش دهیم دیگر دلیلی ندارد وکالت را کسب وکار تلقی کنیم.

۳_ به نظر شما ظرفیت گذاری در آزمون وکالت به معنای انحصار این شغل برای عده خاصی است؟ چقدر و چگونه این ظرفیت گذاری در بهبود کیفیت خدمات حقوقی مؤثر است؟ آیا رقابت در بازار کسب وکار می تواند این کیفیت را تأمین کند؟

بحث ظرفیت یا کمیت با حد نصاب یا کیفیت متفاوت است. گاهی می گوییم گستره ای در سطح کشور یا استان داریم که جمعیتی هشتاد میلیونی دارد؛ متناسب با آن پروانه وکالت توزیع و اهدا می کنیم یا یک حجم انبوهی از فارغ التحصیلان حقوق داریم و می خواهیم برای ورود این فارغ التحصیلان به بازار کار آزمونی در نظر بگیریم. این ها دو مقوله جدا از هم هستند. گاهی می گوییم شخص اگر ۶۰ درصد حدنصاب را بیاورد می تواند وارد بازار کار شود و گاهی فقط ۲۰۰۰ نفر وکیل می خواهیم. این ها دو مقوله جداست. چیزی که در عرصه صدور پروانه برای نهادهای حرفه ای مهم است، این است که اصولاً نباید بحث ظرفیت باشد؛ آن وقت فضای رقابتی برای ورود به عرصه کار تنگ می شود. در شرایطی من شهروند، مقابل سی هزار وکیل قراردادارم، در شرایط دیگر من مقابل صد هزار وکیل قراردادارم و در حالت دوم حق انتخاب من بیشتر است. هر جایی که در ایران نام دانشگاه دارد دارای رشته حقوق است و این دانشگاه ها همگی فارغ التحصیلانی دارند. بین این فارغ التحصیلان هم افراد باسواد و هم افراد بی سواد هستند. پس باید آزمونی برگزار شود تا هر کسی نتواند وارد عرصه کار شود زیرا جان، مال و ناموس مردم در دست این فارغ التحصیلان قرار می گیرد. مثل پزشک دارای پروانه ای که مورد اعتماد افراد است و هر کسی که در خیابان ادعا کند که پزشکی می داند، لزوماً مورد اعتماد مردم قرار نمی گیرد. پس آزمونی با حد نصاب باید وجود داشته باشد. اما در مورد ظرفیت می توان بحث کرد که آیا ظرفیت اصولاً باید باشد یا نباشد. در حال حاضر در آزمون وکالت ما بحث ظرفیت وجود دارد که طبق قانون است. می توان ظرفیت را افزایش داد همان طور که برای آزمون وکالت ۱۴۰۰ دو هزار نفر اعلام شده است. در گذشته ظرفیت ها را بسیار کم اعلام می کردند که باعث ایجاد مشکل شد و تمام بحث های موجود به دلیل ظرفیت کمی است که اعلام می شده و تا این سال ها ادامه پیدا کرده است.

۱_ فصل اقتصاد و امور مالی

۲_ business

۳_ profession

۴_ آیا شما سرانه میانگین پایین تعداد وکیل در ایران را به علت جلوگیری از ورود فارغ التحصیلان به این حرفه می دانید؟

به دلیل کم اعلام شدن ظرفیت ها تاکنون بوده که بحث کردم. قطعاً بخشی از آن برمی گردد به حفظ کردن بازار برای فعالان آن حرفه و بخشی از آن هم برمی گردد به وجود نگاه هایی که وجود دارد. کمیسیون وقتی ظرفیتی اعلام می کند علاوه بر بحث اشباع بازار لابد مسائل دیگری را نیز در نظر می گیرد. نمی توان گفت کمیسیون فقط به آمار تعداد وکلا نگاه می کند. ممکن است یکی از این مسائل این باشد که ما تعداد بسیار زیادی دانشجوی حقوق داریم اما همه آن ها صلاحیت ورود به عرصه کار را ندارند و باید از ورود افراد ناشایست جلوگیری کرد و فرایند آزمون وکالت هم به گونه ای نیست که حتماً غربال کند. ممکن است شخصی ذهن تحلیلی بسیار قوی ای داشته باشد و در به نتیجه رساندن یک پرونده بسیار قوی عمل کند اما در تست زدن توانایی محدودی داشته باشد؛ بنابراین ممکن است یکی از دغدغه ها این باشد که هر کسی به این عرصه ورود پیدا نکند؛ کمالینکه بحث فرهنگ را نیز باید در نظر داشته باشیم. چند درصد از مردم ما برای عقد یک قرارداد به وکیل مراجعه می کنند؟ بسیار کم. چون این فرهنگ وجود ندارد، تولید وکیل ارزشی ندارد. تاکنون برای همه ما پیش آمده که به پزشکی مراجعه کرده ایم برای نوبت دهی، شش ماه بعد وقت ویزیت دریافت کرده ایم. به این دلیل است که تعداد پزشک در ایران نسبت به هر صد یا ده هزار نفر کم است. ما برای درمان بیماری هایمان خوددرمانی نمی کنیم. خوددرمانی هایمان در حد مواظبت حین سرماخوردگی است. اما وکلا چی؟ تا به حال شده به وکیلی تماس بگیرید و بگویید مشکلی دارید و برای ۶ ماه بعد به شما وقت ملاقات دهد؟ من شخصاً هرگز نشنیده ام. در ایران، ما مراجعه به وکیل نداریم که بخواهیم آمار جهانی را با آمار ایران مقایسه کنیم. در ایران، ما به خود درمانی حقوقی دچار هستیم زیرا آموزش داده نشده است و سابقه ذهنی درستی در مورد آن وجود ندارد. برای رسیدگی به این موضوع نیاز به نگاه همدلانه با وکلا و نهاد وکالت داریم.

۵_ یکی از تعارضات اعلام شده درباره کسب و کار تلقی شدن وکالت این است که طبق قانون، وکلا حق تبلیغ ندارند. در صورت کسب و کار شناخته شدن آن به مانند تمام مشاغل دیگر، وکلا نیز توانایی تبلیغ خواهند داشت. نظر شما در این باره چیست؟

در صورت کسب و کار تلقی شدن وکالت باید لزوماً قواعد آن را نیز رعایت کنیم. کسب و کار تلقی کردن وکالت با مفاد آن سازگار نیست. محتوای وکالت این است که وکیل باید بهترین تلاش خود را انجام دهد تا موکلش به حق خود برسد؛ در صورتی که در کسب و کار به میزان پرداخت بیشتر، کالای باکیفیت تر دریافت می کنید. دلیل این تفاوت از آنجا ناشی می شود که کسب و کار تابع قواعد اخلاقی نیست؛ در صورتی که وکالت و پزشکی و.. تابع قواعد اخلاقی حرفه ای هستند. همان طور که وقتی بیمار اورژانسی را به بیمارستان می بریم، بیمارستان حق ندارد بگوید اول هزینه را دریافت می کنیم و بعد فرد را تحت درمان قرار می دهیم. آیا کسانی که وکالت را کسب و کار تلقی می کنند، فردای کسب و کار تلقی شدن وکالت این شفافیت را خواهند داشت که به مردم بگویند وقتی به وکیل مراجعه کردید هر چقدر پول پردازید، خدمات دریافت می کنید؟! از کاسب نمی توان به دلیل کیفیت پایین کالایش شکایت کرد اما می توان در دادگاه وکلا از وکیل به دلیل اینکه بهترین تلاش خود را انجام نداده شکایت کرد و این تفاوت بسیار عمده و بزرگ است.

۶_ یکی از اهداف این مصوبه، ارزان کردن خدمات حقوقی برای راحت تر شدن دسترسی مردم به احقاق حق خود است. چگونه می توان از طریق این مصوبه به این هدف دست یافت؟

دستیابی به این هدف، ارتباطی با کسب و کار تلقی کردن یا نکردن وکالت ندارد. در واقع نهایت این مصوبه کاهش هزینه های حق الوکاله به دلیل ازدیاد وکلای بیکار است. حتی این فرض هم وجود دارد که با ازدیاد وکیل بیکار هم هزینه ها کاهش پیدا نکند.

۷_ نظر شما درباره طرح اجباری کردن وکالت چیست؟ چرا بیان می شود این طرح با قانون اساسی مغایرت دارد یا امکان اجرایی شدن این طرح در حال حاضر وجود ندارد؟

طرح اجباری کردن وکالت اگر به این معنا باشد که هیچ کس نمی تواند در دادگاه اقدامی بکند مگر با حضور یک وکیل، تا حدود بسیاری اشتباه است. زیرا حق دادخواهی افراد را به یک محدودیت بزرگی گره می زنیم. شخص ممکن است پول نداشته باشد یا آنقدر نداشته باشد یا اصلاً نخواهد در این زمینه هزینه ای بکند. حق انتخاب وکیل، حقی است که باید آزادانه از آن استفاده کرد. به جای آن باید فرهنگ استفاده از وکیل را ترویج دهیم و همین طور دولت، سازوکاری برای امکان استفاده قشر ضعیف از وکیل داشته باشد تا در مقابل با اجباری کردن وکالت امکان دادخواهی را از قشر ضعیف سلب کنیم.

در پایان از تمامی اساتیدی که در نگارش این متن این جانب را همراهی کردند کمال قدردانی و تشکر را دارم بالاخص جناب دکتر آقای طوق و استاد مرنندی و کامیار بزرگوار.

نیم نگاهی به رشته حقوق تجارت بین الملل

مصاحبه با پریسا ریحانی، رتبه 20 کارشناسی ارشد



زهرا فلاح

ورودی ۹۵

اول کتاب، کلماتی نوشته شده بود و شامل بخش های تست و درک مطلب بود. من اول این کلمات را می خواندم و بعد به سراغ تست ها و درک مطلب می رفتم و هرروز کلماتی که دیروز خوانده بودم، مرور می کردم و بعد کلمات جدید را می خواندم. کتاب ۵۰۴ لغت را نیز در کنارش می خواندم. به طور کلی، بیشترین سرمایه گذاری را روی دروس مدنی و زبان انگلیسی انجام دادم. شیوه درس خواندن من هم به این صورت بود که در برنامه ۸ ساعته ام حتماً مدنی و زبان انگلیسی جای داشت. مثلاً در روز شنبه زبان انگلیسی، مدنی و تجارت می خواندم و در روز یکشنبه زبان انگلیسی، مدنی و بین الملل خصوصی یا عمومی می خواندم، هرچند بین الملل عمومی خیلی کم در برنامه ام بود و ضرر هم کردم چون اگر بالاتر می زدم، روزانه قبول می شدم.

۲) آیا اطلاعی دارید که با چه رتبه ای و در چه دانشگاهی می توان در این رشته قبول شد؟

تا جایی که می دانم دانشگاه های بهشتی، علامه و پردیس فارابی تهران این رشته را دارند. فکر می کنم با احتساب دانشجویان پردیس بین الملل حدوداً تا رتبه ۱۲۰ قبول می شوند. اما ظرفیت روزانه خیلی کم است و بستگی دارد که خود فرد چه چیزی را مدنظر دارد. مثلاً من رتبه ام ۲۰ بود. روزانه علامه هم قبول می شدم ولی ترجیحاً این بود که شبانه بهشتی بروم که دانشگاه دوره کارشناسی من هم بود.

۳) چه درصدهایی در کنکور داشتید که موفق به کسب رتبه ۲۰ شدید؟

درصدهایم به صورت دقیق یادم نیست اما حدودی اگر بگویم، زبان انگلیسی و مدنی هر کدام بین ۶۶ تا ۷۰ درصد، بین الملل خصوصی ۷۷ درصد، تجارت ۴۰ درصد و بین الملل عمومی ۶ درصد.

۴) آیا این رشته توانایی های خاصی را می طلبد؟ به طور مثال، آیا توانایی در زبان انگلیسی خیلی حائز اهمیت است؟

این رشته به لحاظ درس های دانشگاهی نیاز چندانی به زبان انگلیسی ندارد. منظورم این است که دانشجویان نباید بترسند که اگر زبانشان خوب نیست، در این رشته شانس قبولی ندارند. به طور کلی، چون بسیاری از منابع خوب و جدید منابع انگلیسی هستند کسی که زبان بلد باشد از بقیه خیلی جلوتر است. منابع درس های داوری و درس های

امروزه رشته حقوق تجارت بین الملل به یکی از پرطرفدارترین گرایش های رشته حقوق تبدیل شده است و دانشجویان زیادی علاقه مند به ادامه تحصیل و کار در این رشته می باشند. در ادامه برای آشنایی بیشتر متقاضیان به معرفی این رشته می پردازیم.

سرکار خانم پریسا ریحانی، دانش آموخته کارشناسی حقوق از دانشگاه شهید بهشتی هستند و با شرکت در آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۸، موفق به کسب رتبه ۲۰ در گرایش حقوق تجارت بین الملل در دانشگاه شهید بهشتی شدند.

۱) شما چه منابعی را در چه بازه زمانی برای قبولی در این رشته مطالعه کردید و آیا شیوه مطالعه خاصی داشتید؟

من از فروردین ماه شروع به درس خواندن کردم. در ابتدا قصد داشتم که برای رشته حقوق خصوصی درس بخوانم ولی بعداً نظرم تغییر کرد و چون وقت کمی تا کنکور باقی مانده بود (حدوداً یک ماه) تصمیم گرفتم که فقط منابع را در حد گذرا مطالعه کنم و سال بعد در کنکور شرکت کنم. اما آزمون به تعویق افتاد و به جای اردیبهشت ماه به خردادماه موکول شد. از آنجایی که زبان انگلیسی ام خوب بود به توصیه یکی از دوستانم که خودش هم دانش آموخته همین رشته در دانشگاه شهید بهشتی بود، درس خواندن را شروع کردم و به طور مداوم در هر روز ۸ ساعت درس می خواندم.

در مورد منابع هم، برای درس مدنی کتاب فرهاد بیات را خواندم و در کنارش تست جرعه نوش را زدم. البته برای درس مدنی ۷ در کنار کتاب بیات، جزوه ولدبیگی را هم مطالعه کردم.

برای درس تجارت فقط قانون را خواندم چون وقت زیادی تا کنکور نداشتم ولی دوستم کتاب ساده ساز فرحناکیان را به من معرفی کرده بود که من فرصت نکردم بخوانم و همین باعث شد که درصد پایینی در کنکور بزنم. در درس بین الملل عمومی هم فقط بخش دریاها را از روی کتاب ضیایی بیگدلی خواندم و برای درس بین الملل خصوصی کتاب های نصیری و الماسی را خواندم.

برای درس زبان انگلیسی، کتاب موسوی را مطالعه کردم که



INTERNATIONAL TRADE LAW

ECONOMICS
INDIANJUDICIARYNOTES.COM



۶) آیا دانش آموختگان سایر رشته‌های کارشناسی می‌توانند در مقطع ارشد، این رشته را انتخاب کنند یا حتماً نیاز به مدرک کارشناسی حقوق دارند؟

در این باره خیلی اطلاعات ندارم ولی فکر می‌کنم امکان اینکه از یک رشته‌ای به رشته دیگر بروند، وجود دارد.

۷) در خصوص فضای کاری این رشته چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی اطلاعی دارید؟

در زمینه کاری با توجه به وضعیت کشور ما و تحریم‌ها خیلی از مؤسسه‌های حقوقی بین‌المللی از ایران رفته‌اند و فعلاً اوضاع زیاد خوب نیست ولی به طور کلی، من وقتی آگهی‌های استخدامی را می‌بینم، اولویتشان حقوق خصوصی و حقوق تجارت بین‌الملل است و من تفاوتی از لحاظ استخدام کردن بین این دو رشته حس نکردم ولی چون خودم وارد فضای کاری نشده‌ام، اطلاعات دقیقی در این زمینه ندارم.

۸) توصیه پایانی خود را برای دانشجویان علاقه‌مند به این رشته بفرمایید.

توصیه من به دانشجویان این است که تا جایی که برایشان امکان دارد، سطح زبانشان را بالا ببرند چراکه تسلط به یک زبان و علی‌الخصوص زبان انگلیسی و در مرتبه دوم زبان فرانسوی در مطالعات خارج از مباحث دانشگاهی به دانشجویان خیلی کمک می‌کند چرا که بیش تر منابع دسته اول، انگلیسی هستند.

و یک مسئله دیگری که خودم در آن تجربه دارم این بود که با خواندن این رشته در دانشگاه، دانشجویان از درس حقوق خصوصی دور می‌شوند و اگر بتوانند مانع این فاصله بشوند برای بازار کاری آینده آن‌ها هم خیلی مهم است و همچنین به آن‌ها بسیار کمک خواهد کرد.

دیگری مانند انتقاد فناوری اصولاً منابع دسته اولی در فارسی ندارند و کسی که زبان انگلیسی بلد باشد، پیشرفت زیادی خواهد کرد.

۵) تفاوت فضای رشته حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی را می‌دانید؟

تا جایی که من اطلاع دارم تفاوت چندانی ندارند ولی حقوق تجاری اقتصادی، کمی به سمت حقوق خصوصی متمایل شده است. در ادامه باید بگویم که رشته تجاری اقتصادی ابداع دانشگاه تهران است و در عرصه بین‌المللی مانند رشته تجارت بین‌الملل شناخته شده نیست و برای کسانی که قصد مهاجرت دارند شاید گزینه خیلی مناسبی نباشد.



designed by freepik.com

یادداشتی بر فیلم هتل رواندا _ با نگاهی به نسل کشی رواندا _



ملیحه حسینی

ورودی ۹۶

فیلم در ادامه تحول پاول را به یک انسان مبارز نمایش می دهد که هتل رواندای لوکس را به پناهگاهی برای توتسیان فراری تبدیل کرده و هرچه در توان دارد می گذارد تا جان یک نفر بیشتر را حفظ کند. این پناهگاه اما در خطر حمله نظامیان است و پاول هنوز در درون خود به کمک نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و نیروهای فرانسوی و غربی که در رواندا حضور دارند، امید دارد و البته که فیلم برای بار دوم واقعیت را هرچه تلخ تر در برابر چشمان پاول و تماشاگران نمایش می دهد. وقتی نیروهای فرانسوی به نزدیکی هتل می رسند پناهندگان با شادی به استقبال ناجیان خیالی شان رفته و در آغوششان می گیرند. غافل از اینکه این سربازان برای محافظت و نجات توتسی ها نیامده اند. آنان دستور دارند فقط مهمانان خارجی هتل را خارج کرده و همراه با حافظان صلح سازمان ملل از رواندا خارج شوند. این نقطه از فیلم درحالی که ماموران بین المللی با بی اهمیتی تمام زیر باران سیل آسا خارجی ها را از رواندایی ها جدا می کنند تا با خود ببرند، نه تنها روایتگر رویارویی تکان دهنده پناهندگان رواندا با واقعیت است؛ بلکه روایتگر لکه ننگی است بر کارنامه سازمان ملل و کلیه اقدامات بشردوستانه که حتی تا به امروز با عذرخواهی های رسمی و اظهار تأسف شخصیت های بین المللی گوناگون پاک نمی شود.



درجایی از فیلم کاراکتر گزارشگر که واکین فینیکس به خوبی از عهده ایفای آن برآمده است، ویدیویی را که از کشتار توتسی ها تهیه کرده به پاول نشان می دهد. پاول با اظهار خوشحالی می گوید که امیدوار است جهان با دیدن این تصاویر اقدام مناسبی در جهت لغو کشتارها انجام دهد. اما فیلم پیامش را اینجا از زبان گزارشگر

واژه نسل کشی که به گوشمان می خورد، اکثرمان به یاد هولوکاست و سال های جنگ جهانی دوم می افتیم. تصور اینکه چنین عمل دور از انسانیتی در روزگار متمدن حاضر، همچنان در گوشه و کنار جهان به تعدد اتفاق می افتد کمی برایمان سخت است. البته اگر اهل دنبال کردن اخبار باشید مطمئناً می دانید که همین حالا و در کشورهای نزدیک نسل کشی درحال وقوع است. با این حال هنگامی که به تماشای فیلمی همچون هتل رواندا می نشینید و با جزئیات زوال انسانیت را نظاره گر می شوید، نمی توانید جلوی غافلگیر شدنتان را بگیرید.

فیلم هتل رواندا ساخته تری جرج، حول محور وقایع مربوط به نسل کشی سال ۱۹۹۴ که در کشور رواندا رخ داد، می چرخد. رواندای سال ۱۹۹۴ که سومین دهه استقلال خود از بلژیک را می گذراند، بستر تنش و التهاب شدید میان دو قوم توتسی و هوتو در این کشور است. با سقوط هواپیمای حامل رئیس جمهور رواندا که به تازگی با شورشیان توتسی صلح نامه ای امضا کرده بود، گروه های رادیکال هوتو با یک پیغام هولناک بر روی رادیو آغاز نسل کشی را رقم می زنند: «همه درختان بلند را قطع کنید.» با اعلام این پیام که از آوردن لفظ (درختان بلند) به توتسی ها که به نسبت قد بلندتری دارند اشاره دارد، کشتار دسته جمعی توتسی ها به راه می افتد و در طی سه ماه حدود ۸۰۰ هزار تن مرد، زن و بچه از قوم توتسی به کام مرگ فرستاده می شوند.

_ متن زیر حاوی اسپویل بخش هایی از داستان فیلم است _

فیلم، تمام مدت داستان خود را از زاویه دید پاول، مدیر هتل لوکسی که پذیرای مهمانان از سراسر جهان است روایت می کند. پاول که از ابتدای فیلم شاهد نشانه هایی است که از قریب الوقوع بودن یک فاجعه انسانی حکایت می کنند، همچنان حتی با آغاز حملات معتقد است آتش اختلافات به زودی می خوابد. اما زمانی که افسر هوتویی اسلحه را به دست پاول می دهد تا به زن و فرزندانش که از قوم توتسی اند شلیک کند، گویی واقعیت همچون پتکی بر سرش فرود می آید. پاول همچون ما مخاطبان باورش نمی شود که در کشورش، درحالی که نیروهای سازمان ملل حضور دارند یک نسل کشی به معنای واقعی اتفاق بیافتد!



تصویری از بقایای قربانیان رواندا.

همچنان می شد جان مردم را نجات داد، نیروهای بین المللی زیر بار استفاده از کلمه نسل کشی نمی رفتند تا بتوانند بدون دردسر نیروهای حافظ صلح را از رواندا خارج کنند. بعد از رسوایی بزرگ رواندا سازمان ملل بیان کرد که به دنبال تغییر رویه در عملکرد نیروهای حافظ صلح و دادن قدرت عمل بیشتر به آنان است. اما آنچه از عملکرد سازمان ملل در سال های بعد در مواجهه با سایر بحران ها در کشورهای دیگر شاهدیم، نشان از تغییر چندانی در مواجهه با این کشتارها نمی دهد.

هتل رواندا با روایت گیرا و ساده خود، به ما یادآوری می کند که در دنیای امروز که بشر ادعای دست یابی به تمدن را دارد، همچنان تنفر و اختلافات نژادی، قومی و مذهبی در روابط انسان ها حاکم است و جان میلیون ها بی گناه را می گیرد. سازمان ملل با این امید که دیگر هولوکاستی رخ ندهد تشکیل شد، اما هولوکاست های هولناک تر هر ساله اتفاق می افتند و به جهان یادآوری می کنند که بهبود وضعیت نه با امید صرف، بلکه تنها با کنش ورزی ممکن است.

بیان می کند: «فکر می کنی عکس العمل مردم بعد از تماشای این فیلم ها در اخبار شبانه چیه؟ میگن اوه خدای من و بعد میرن تا شام شون رو بخورن.»

نسل کشی رواندا سرانجام نه با دخالت نیروهای جهانی بلکه با پیشروی و به دست گرفتن اوضاع توسط شورشیان توتسی خاتمه پیدا کرد. شورای امنیت سازمان ملل در نهایت با تصویب قطعنامه ۹۵۵، دادگاه بین المللی کیفری رواندا را برای پیگیری جرایم مرتکبین نسل کشی تأسیس کرد. ژان پل آکایسو یکی از مهم ترین افرادی بود که در این دادگاه محکوم شد و محاکمه وی از این نظر بسیار اهمیت دارد که اولین شخصی در تاریخ است که در یک محکمه بین المللی به ارتکاب جرم نسل کشی محکوم شد. در واقع، دادگاه رواندا به تفسیر و تحلیل نسل کشی و گسترش حقوق در این زمینه کمک بسیاری کرد.

با اینکه در نهایت سازمان ملل و جهان، آنچه را که در رواندا اتفاق افتاد یک نسل کشی نامیدند، اما در زمان بحران و هنگامی که

معرفی پادکست‌های حقوقی

دریچه‌ای به حقوق نوآورانه

این روزها با پیشرفت فناوری و گشایش عرصه‌های جدید، رشته حقوق نیز ناگزیر همگام با این روند گسترش یافته است. شاید یک دانشجوی حقوق در دو دهه قبل، با مطالعه کتب مشخصی می‌توانست به عمق آنچه حقوق در خود جای داده است برسد. اما یک دانشجو در زمان حال نمی‌تواند چنین ادعایی کند. در این دوره حقوق با چنان سرعتی رو به جلو پیشرفت می‌کند و در عرصه‌های نو قواعدی جدید تاسیس می‌کند که ممکن است هنوز فرصت به نوشتن کتابی در این عرصه نرسیده باشد! با نگاهی به وضعیت ترجمه در ایران نیز می‌توان به روشنی پی برد که موضوعات روز با سرعتی بسیار کند به زبان فارسی به دست علاقه‌مندان می‌رسد. با توجه به همه‌ی این اوصاف، در شرایط کنونی با وجود آن‌که همچنان کتب مرجع و پراهمیت حقوقی جایگاه خود را در ایجاد دانش حقوقی دانشجویان حفظ کرده‌است، اما نباید از اهمیت مطالعه مقالات روز به زبان انگلیسی و استفاده از جدیدترین ابزارها برای اطلاع از موضوعات حقوقی بدیع غافل بود. یکی از این ابزارهای مناسب پادکست‌های حقوقی است که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود.

پادکست فرمتی است که در قالبی مختصر و کاربردی، اطلاعات روز حقوقی، تجارب افراد حرفه‌ای و حتی چکیده کتب مختلف را در خود جای داده است. در روزگار شتاب‌زده‌ی ما که بمباران اطلاعات وقت‌زیادی برایمان باقی نگذاشته است، این ابزارها می‌توانند در کمترین فرصت، مناسب‌ترین اطلاعاتی را که نیاز داریم در اختیارمان بگذارند.

در این یادداشت به چند پادکست منتخب حقوقی اشاره می‌کنیم:

۱- پادکست دیدگاه نو

«پادکست دیدگاه نو، پادکستی مختص بچه‌های

رشته حقوق و فعالان این حوزه است.

در این پادکست با مهارت‌های لازم برای موفقیت

و پیشرفت در این رشته و کسب و کارهای حقوقی



آشنا می‌شویم.»

بسیاری از ما تصور می‌کنیم تنها راه کسب درآمد و تنها جایگاه‌های شغلی ممکن در رشته حقوق محدود به قضاوت و وکالت است. اما با دنبال کردن این پادکست و شنیدن تجربیات افرادی که هرکدام با شیوه‌های نو و متفاوت توانسته‌اند مسیری ویژه برای خود در این رشته ایجاد کنند این تصورمان دچار تغییر می‌شود. اگر دانشجوی کارشناسی حقوق هستید و هنوز مطمئن نیستید که چه گرایشی را برای تحصیل در مقطع ارشد انتخاب کنید، یا نمی‌دانید که چه جایگاه شغلی مناسب روحیه و توانایی‌های شماست، این پادکست را

از دست ندهید.

۲- پادکست چکش

«من صنم حقیقی هستم. پادکست چکش رو اختصاص دادم به یکسری اتفاقاتی که در عرصه هنر دنیا افتاده. این اتفاقات محدود شده به اونهایی که به شکلی یا به دادگاه کشیده شده، یا قانونگذاری خاصی رو رقم زده، یا سیاسیون رو درگیر کرده. یعنی مسائلی که یک سیستمی رو



بهم زده و سیستم جدیدی رو جایگزینش کرده.»

علاقه‌مند به سینما یا موسیقی هستید؟ مباحث کپی رایت یا حقوق مالکیت فکری و سازوکارهای اون همیشه براتون جالب بوده؟ دوست دارید کمی از تاریخ آمریکا و مسیری که در حوزه کپی رایت طی کرده و همینطور از جزئیات پرونده‌های واقعی در این زمینه بشنوید؟ این پادکست خوراک شماست! با کمی چاشنی هنر.

۳- رادیو وستفاليا

«اینجا در مورد آنچه فراسوی مرزها حکم فرماست

صحبت می‌کنیم... رادیویی در خصوص حقوق بین

الملل.»

این پادکست مختص حقوق بین‌الملل است و

به علاقه‌مندان این حوزه بسیار پیشنهاد می

شود. در هر قسمت از این پادکست می‌توانید

اطلاعاتی راجع به تاریخچه حقوق بین‌الملل، شخصیت‌های

تاثیرگذار و پرونده‌های مشهور در عرصه بین‌الملل به دست آورید.

۴- پادکست حقوقی دفیله

«توی هر قسمت پادکست دفیله، یه موضوع

حقوقی به زبان ساده و با نگاهی به قانون

روایت می‌شه.»

این پادکست به طور کلی موضوعات متنوع

حقوقی را بدون تمرکز بر حیطه خاصی، معرفی

و بررسی می‌کند. از حقوق کار تا جرایم سایبری و ازدواج و طلاق.

زبان ساده این پادکست و اطلاعات کلی که در هر موضوع به

مخاطب ارائه می‌دهد می‌تواند برای دانشجویان ترم‌های پایین‌تر

حقوق دریچه مناسبی برای ورود به مباحث پیچیده‌تر حقوق باشد.



تمام پادکست‌هایی که در این نوشته معرفی شد، از طریق پلتفرم

کست باکس یا شنوتو، یا دیگر پلتفرم‌های اختصاصی، قابل

دسترسی علاقه‌مندان هستند. در صورت آشنایی با پادکست‌های

حقوقی جدید که در این مطلب معرفی نشده‌اند ما را نیز از طریق

راه‌های ارتباطی مطلع کنید.